

# بحث در موضوعات حقوقی

## لائحه قانون کیفر عمومی

(۴)

۳۱ روزی - ۳۰ روزی - ۲۹ روزی و گاهی هم ۲۸ روزی هست چنانکه در تقویم ما هم غیر از ماه ۲۸ روزی باقی اقسام هست و هر گاه قانون برای عملی مثلا از یک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی معین کند طبقاً این سؤال پیش میآید که از کدام قسم ماه - این است که بعضی متقنین خود را موظف دانسته اند که این ابهام را رفع کنند و حد وسط را گرفته ماه کیفری را ۳۰ روز قرار داده اند. و چون از ازمه قدیم از آن اوقاتی که مردم جز ماه قمری ماه دیگری نمیشناخته اند و گردش فصول که آنرا سال مینامیدند تقریباً با دوازده ماه برابر بوده این معنی در اذهان رسوخ یافته که سال باید دوازده ماه باشد و بهمین جهت هم آنهایی که حساب شمسی را گرفته اند باز از دوازده ماه نتوانسته اند صرف نظر کنند این است که در اینجا هم يك سال ۳۶۰ روزی بر خلاف حساب همه ستاره شناسان و گاه شماران پیدا شده بتجربه معلوم شده که این طریقه در مقام عمل دچار اشکالات میشود مثلاً کسی به سه سال حبس تأدیبی محکوم شده مباشرتین اجرای احکام بنا بر طریقه اول از هر روز سال که آن شخص زندانی شده تا نظیر آنروز از سال چهارم را سه سال میگیرند و آنروز را هم از روزی تقویم عمومی کشور تعیین میکنند مثلاً کسی که محکوم به سه سال حبس تأدیبی است و در نیمه خرداد ۱۳۱۶ تسلیم زندان شده در ۱۴ خرداد ۱۳۱۹ آزاد میشود ولیکن بنا بر طریقه دوم سهلترین حساب این است که از سال شمسی بمقدار فضل آن هر سال کیفری ضرب در سه با منظور کردن

«ماده ۱۰ - مدت های مذکور در قانون مجازات عمومی نسبت بکلیه احکام و آثار جزائی بطریق ذیل محسوب می شود:

مقصود از روز ۲۴ ساعت است

مقصود از ماه ۳۰ روز تمام است

مقصود از سال ۳۶۰ روز است

روز شروع در هر ساعت از روز که باشد تمام محسوب است.

در باب مدت های مذکور دوروبه هست یکی رویه آنهایی که حساب مدت ها را بتقویم معمولی کشور احاله میدهند و هیچ نحو دخالتی در حساب نمیکند. جز این مقدار که در حساب کیفرها و آثار کیفری و مقررات تأمینی روز شروع را یکروز تمام میگیرند ولیکن در حساب مهلتها و مواعد روز شروع را اصلاً بحساب نمیآوردند مثلاً قسمت اول ماده ۱۴ قانون ایتالیا میگوید «هر جا که قانون کیفری برای اثری قضائی مدتی قائل می شود حساب مدت موافق تقویم عمومی کشور ایتالیا خواهد بود» و دیگری رویه آنهایی که برای ماه یا سال یا هر دو معنی دیگری قائل میشوند مثل این لایحه که ماه را ۳۰ روز و سال را ۳۶۰ روز میگیرد و ماده ۳۰ قانون سابق ایتالیا که نوشته شده بود.

«هر روز کیفر ۲۴ ساعت است و هر ماه سی روز

و سال مطابق تقویم عمومی»

گویا این فکر از اینجا ناشی شده که ماهها در نزد اکثر ملل باهم برابر نیستند در نزد ملل اروپا

زهیستان و بواسطه این گونه اختلافات حساب سال و ماه را بهم نمی‌زنند

مقصود از احکام کیفری مذکور در صدر این ماده گویا حکم کیفر و حکم تامین و مقصود از آثار کیفری کیفرهای تبعی باشد

پس در ماده ۵۳۹ که کیفر سرقت را معین می‌کند و در ماده ۲۰۰ که مدت يك نحو از مقررات تامینی را (توقیف در بنگاه بهداری) تعیین می‌کند و در ماده ۱۰۰ که مدت‌های محرومیت از حقوق اجتماعی را بیان می‌کند آن مدت‌ها بر طبق این ماده حساب خواهد شد و روز شروع هم در اینها یکروز تمام محسوب خواهد گردید و اما مدت‌های مذکور در ماده ۳۲ و مانند آن که راجع است بسن اشخاص البته باید مطابق تقویم عمومی کشور حساب شود و کسی که دو ماه مانده تا ۱۲ ساله شود نمی‌توان گفت ۱۲ ساله است اگر چه بحساب سال کیفری از ۱۲ سال هم گذشته است زیرا حکم این ماده حکم کیفری یا اثر کیفری نیست هر چند در قانون کیفر ذکر شده - همین طور است بنظر من مدت‌های لازم در تکرار بزه و در اقسام تعاقب و در مرور زمان و مهلت شکایت مدعی خصوصی و مانند اینها

«ماده ۱۱ - قانون جزائی خاص در صورتیکه با قانون جزائی عام هر دو در يك زمان وضع شده باشد و یا آنکه قانون خاص بعد از قانون عام وضع شده باشد قانون خاص را تخصیص میدهد ولی اگر قانون عام بعد از قانون خاص وضع شده باشد قانون متاخر ناسخ قانون متقدم خواهد بود.»

درین ماده بیان میشود حکم موردی که مشمول دو قانون باشد یکی عام و یکی خاص و مقصود از قانون خاص یا عام قانونی است که موضوعش خاص یا عام باشد و اگر نه همه قوانین از جهت حکم کلی و عامند - حال اگر در يك قانون مثل همین قانون کیفر عمومی حکم عامی و حکم خاصی باشد چه در يك ماده و چه در دو ماده.

کیسه کسر کنند تا مدت مطلوب حاصل شود مثلاً کسی که در ۱۵ خرداد ۱۳۱۹ برای سه سال زندانی شده ۱۶ روز بیش از ۱۵ خرداد ۱۳۲۲ یعنی آخر روز ۳۰ اردیبهشت آنسال باید آزاد شود زیرا سال شمسی پنج روز از سال کیفری بیشتر است و سال ۱۳۲۱ هم که در ضمن این مدت خواهد آمد سال کیسه است (مطابق تقویم دو هزار ساله استخراج حقیر تحویل حمل در آنسال روز شنبه ۳ ربیع الاول ۱۳۶۱-۱۸ دقیقه بعد از ظهر خواهد بود بنابراین روز شنبه ملحق باسند و انعام ۳۰ روزی و سال کیسه خواهد شد)

ولکن اگر کسی در ۱۵ خرداد ۱۳۱۷ برای سه سال زندانی میشد آخر روز ۳۱ اردیبهشت ۳۲۰ آزاد میکرد چون در آن سه سال کیسه نبود

وقتی این اشکال حساب را در نظر می‌گیریم که بقول وزیر دادگستری ایتالیا در موقع طرح ماده ۱۴ قانون خودشان يك تقویم جدا گانه لازم دارد و از طرفی می‌بینیم که قانون نگاهداشتن کسی را در زندان بیش از مدت یا آزاد کردن زندانی را پیش از مدت بزه می‌شمارد و کیفر می‌دهد نزدیک است که ازین حساب باریک صرف نظر کرده مذاق مقنن ایتالیایی را ترجیح دهیم که حساب مواعد را بتقویم عمومی کشور احاله میدهد همانطور که مردم در معاملات خود ماه و سال را حساب میکنند مدت‌های کیفری را هم حساب کنند

بنابر قانون ایتالیا که حساب ماه و سال را بتقویم عمومی احاله میدهد اگر کسی در ماه فوریه برای يك ماه زندانی شود ۲۸ روز و اگر سال کیسه باشد ۲۹ روز زندانی خواهد شد و اگر آنحکم در ماه مارس اجرا شود ۳۱ روز زندانی خواهد بود و مزیتی که این لایحه بر آن قانون دارد همین معین بودن مدت ماه است ولیکن آنها این تجربه را کرده و برای اشکالات عملی که داشته‌اند آن عدول کرده‌اند و بنظر آنها این تفاوت مثل تفاوت فصول است که یکی در تابستان زندانی میشود و یکی در

مثلا ماده که بطور کلی حکم سرقت را بیان میکند و ظاهراً همه اقسام سرقت را شامل است و ماده دیگر که حکم خاصی برای سرقت با آزار یا تهدید تعیین میکند آن حکم خاص در حقیقت افرادی را از شمول آن حکم عام استثناء میکند و برای آنها حکم دیگری تعیین می نماید و هر چه مصادیق خارجی پیدا شود دیگر نمیگوئیم مشمول ان ماده عام است و کیفر ان ماده عام را برای آنها تعیین نمیکنیم بلکه حکم آنها را بر طبق قانون خاص میدهیم همین طور در افترا زدن و نسبت ارشاد بکسی بر خلاف حقیقت دادن و توهین بمستخدم دولت در حین انجام وظیفه و ایراد ضرب بمستخدم در حین انجام وظیفه و ازین قبیل موارد که در هر قانونی نظیرش دیده میشود و حکم خاص در همه اینها مخصص عام و بمنزله تصریح باستثناء شمرده میشود چه هر دو حکم در زمان واحد بتصویب رسیده باشد و چه حکم خاص زماناً مؤخر از حکم عام باشد - و اما اگر بدو قانون خاص بتصویب رسیده باشد و پس از چندی قانون عام وضع شود مثلا قانونی برای قاچاق تریاک حکمی معین کرده و پس از چندی قانون دیگری بتصویب میرسد که برای قاچاق کلیه اموال موضوع عایدات دولت یا قاچاق اموال موضوع عایدات دولت حکم دیگری یعنی کیفر دیگری معین میکند بدون آنکه از قاچاق تریاک اسمی برده باشد ظاهر این است که حکم خاص باین طریق ملغی میشود و فقط همان حکم عام باقی میماند که در تمام مصادیق عام حتی در مورد قاچاق تریاک باید اعمال شود اینها در صورتی است که بین دو موضوع عموم و خصوص مطلق باشد و اما اگر عموم و خصوص من وجه باشد هیچگاه یکی باعث الغاء دیگری نمیشود و هر یک جدا گانه دارای اعتبار و قابل اعمال است و در مصادیقی که هر دو کلی تصادق میکنند اجتماع دو عنوان و مشمول ماده ۳۱ قانون فعلی و ماده ۱۳۷ این لایحه خواهد شد مثلا شخصی قبض معمولی داده و پولی گرفته عملش هم

استفاده از سند معمول است و هم کلاهبرداری یا شخصی در راندن اتوموبیل بی احتیاطی کرده یا بر خلاف نظامات رفتار نموده و حادثه رخ داده که یک یا چند تن مقتول و یک یا چند تن مجروح شده اند عملش مثلا هم بی احتیاطی متهمی بجرح است و هم بی احتیاطی متهمی بقتل و هر دو قانون شامل مورد میشود نهایت امر بعضی مقننین در چنین جایی کیفر اش را اعمال میکنند چنانکه در قانون فرانسه و در قانون فعلی ما آمده و بعضی حکم تعدد بزه اعمال میکنند مثل قانون ایتالیا و بعضی تفصیلاً قائل میشوند بین موردی که نتیجه متعدد باشد مثل قضیه بی احتیاطی که گذشت و موردی که نتیجه یکی باشد مثل قضیه کلاه برداری که گذشت و در این لایحه در ماده ۱۳۷ این رویه اختیار شده و مادر محل خود ازین دورویه و ترجیح یکی بر دیگری بحث خواهیم کرد.

« ماده ۱۲ - احکام کلی در کتاب اول این قانون حتی در موضوعاتی که مشمول قوانین جزائی دیگر باشند نیز جاری است مگر آنکه درین قانون یا در آن قوانین طور دیگری مقرر شده باشد.»

قید در کتاب اول گویا توضیحی است و مثل اینست که گفته نموده باشد احکام کلی و آن احکامی است که در کتاب اول این قانون آورده شده زیرا کتاب اول چنانکه ملاحظه شد در کلیات است و مقصود این است که این کلیات در موضوعاتی که مشمول قوانین کیفری دیگر است مادامیکه استثناء قانونی در کار نباشد نیز جاری است در آنها هم تعدد و تکرار هست آنها هم کیفر اصلی و تبیی دارند مسئولیت مشروط علم و اراده است تعلیق هست مرور زمان دارند و همچنین.

اما احکام دیگر این قانون که در سایر کتابهاست چون بیشتر آنها راجع بموضوعات خاص است ازین جهت در اینجا ذکر نشده و لیکن بعضی احکامی هم هست که کلی است و نمیتوان گفت شامل سایر موضوعات نمیشود مثلا در فصل توهین نسبت بزه بکسی دادن حکمی

بزه سیاسی نباشد این شرط در قانون فرانسه هست لیکن در قانون ایتالیا نیست دیگر آنکه در هر دو کشور بموجب قانون بزه باشد. سوم آنکه آن کشور هم با ما همین طور رفتار کند یعنی معامله متقابله دیگری از آن امور مبانی استرداد است و آن عبارتست از قوانین داخلی و معاهدات و رسوم و عادات مثل - مقصود از قانون داخلی قانونی است که اساس استرداد را تجویز و شرایط عمده آنرا بیان میکند و معمولاً در قانون کیفر عمومی گذاشته میشود و قوانینی که کیفیت استرداد و سایر شرایط و آداب آنرا بیان میکنند و معمولاً در آیین دادرسی کیفری گذاشته میشود مثلاً در قانون کیفر عمومی ایتالیا يك ماده راجع با استرداد هست که ماده ۱۳ باشد و بازده ماده در آیین دادرسی کیفری از ماده ۶۶۱ تا ۶۷۱ که شرایط و کیفیات آنرا بیان میکند. و بنظر من اگر يك ماده راجع با استرداد در جای مناسبی ازین فصل گذاشته میشود بمضمون ذیل خیلی بموقع بود.

هیچ ایرانی را نمیتوان برای بزهی که در خارج کشور مرتکب یا با آن متهم شده تسلیم کشور بیگانه کرد مگر آنکه در ضمن معاهده قانونی با آن کشور چنین امری شرط شده باشد.

بیگانه را که در خارج مرتکب یا متهم بعملی شده که هم در قوانین ایران و هم در قوانین آن کشور بزه شمرده شده باشد میتواند بکشور بیگانه که با کشور ایران معاهده استرداد بزهکاران دارد در حدودی که قوانین ایران و معاهدات یا رسوم بین الملل معین کرده و بشرط معامله متقابله تسلیم نمود.

حسن مشکان . طبسی

دارد که در ماده ۵۰۴ و ۵۰۵ این لایحه آمده و نمیتوان آنرا منحصر به بزه های مذکور درین لایحه کرد که اگر کسی از سایر بزه های مردم نسبت دهد مشمول مواد مزبوره نباشد بنا برین بهتر بود اگر مثل بعضی مقننین دیگر میگفتیم احکام این قانون شامل موضوعاتی که مشمول قوانین کیفری دیگرند نیز میشود ولیکن باید اذعان کرد که در سایر کتابها احکام قابل شمول زیاد نیست.

باین ماده ۱۲ این فصل تمام میشود و از آنچه معمولاً در چنین فصلی آورده میشود چیزی کسر ندارد جز موضوع استرداد بزهکاران که اگر در قانون کیفر عمومی آورده شود جایز همین فصل است که از قانون و شمول آن و حیطه زمانی و مکانی آن بحث میکند درین زمان که ملل جهان با هم ارتباط دارند و بمثل در کشورها بروی بیگانه ها باز است و بسیار میشود که نابکاری در کشوری بزهی مرتکب شده بکشور دیگر میگریزد قضیه استرداد بزهکار در همه جا محل توجه است و کشورها با هم معاهده استرداد بسته یا در تهیه وسائل آنند و بنا برین مناسب بود که درین لایحه نیز ماده راجع با استرداد بزهکاران باشد.

استرداد بزهکار دو وجه دارد یکی جهت تقاضا و یکی جهت قبول - از جهت تقاضا در قانون کیفر عمومی ذکری نمیشود زیرا درخواستی بیش نیست و تاثیر قضائی ندارد ولیکن از جهت قبول چند مسئله است که در قانون کیفر حل میشود: یکی اینکه اتباع کشور را میتوان بکشور بیگانه تسلیم کرد یا نه؟ - در اینجا بعضی مطلقاً اتباع خود را بکشور بیگانه نمیدهند و بعضی موکول بمعاهده خاص میکنند با شرط معامله متقابله. - دیگر آنکه اتباع کشور بیگانه که در خارج مرتکب بزه شده و بکشور ما آمده اند در چه صورتی میتوان آن هارا بکشور تقاضا کننده استرداد تسلیم نمود؟ در اینجا شرایطی قرار میدهند یکی آنکه بزه مبنای تقاضای استرداد